

همایش بین المللی «دستیابی به صلح» از طریق آموزش

آموزش در اندونزی از منظر روشنفکر مسلمان

دکتر عذرا

اشاره:

فراوان دیده می‌شود که دیدگاه‌هایی مشابه در باب آموزه‌های متداول اندیشمندان مغرب زمین توسط نخبگان کشورهای مسلمان از جمله اندونزی بازخوانی می‌گردد. این حدس آنگاه بیشتر قوت می‌یابد که نوشتار پیش رو که ترجمان سخنرانی یکی از اندیشمندان مسلمان اندونزی و رئیس سابق دانشگاه شریف هدایت الله می‌باشد، توفقی چند گردد.^۱

پروفسور «عذرا» از سرزمینی است که بیشترین مسلمان در یک کشور را در خود جای داده است اما مسیحیت (پروتستان و کاتولیک)، هندوئیسم و بودیسم، کنفوسیوس پیروان معتنابه دارند و سال‌ها تجربه «پانچلاسیلا» (یعنی قانون احترام به تمامی ادیان، عرف و عادت اجتماعی که پنج اصل را رعایت کنند) را به خود دیده است و البته برای ما این نوشتار مفید است. خاصه آنکه عناوینی چون «آموزش تسامح و تساهل در مدرسه علمیه» و یا «آموزش تسامح و تساهل در سیستم آموزش عالی اسلامی» برای شناخت مخاطب از موضوعات مورد توجه سازمانی ما هست و یا باید باشد.

از نکات بسیار مفید نوشتار پیش رو، ارائه اطلاعات (هر چند اجمالی) از برنامه‌های آموزش دینی در مراکز آموزشی آن دیار می‌باشد. از سوی دیگر تحلیل پژوهشگر در باب وجود دو نوع تفسیر از «ایمان و اعتقاد دیگران» که در برنامه‌های آموزشی اندونزی تدوین شده، بسیار آموزنده و راه‌گشا برای فهم ما از آن نظام تعلیمی است. فی‌المثل برای «آموزش» ما بسیار مهم است که بدانند، در کتاب پایه دوم پاره‌ای از دبیرستان‌های اندونزی، به دانش آموزان آموخته می‌شود. «اعتقاد به بازتاب حق شخصی افراد به یک دین خاص است.»

این «روشنفکر» پس از مدارس به سراغ مدارس علمیه (دینی) می‌رود و واقعیت خارجی داشتن «تسامح دینی» در آن مدارس را بنابر تفاسیر گوناگون و موجود برخاسته از مکاتب فکری «نهضت العلماء» و «محمدیه» مستند می‌کند. از دیدگاه وی «عمل اجتماعی» نظارت دولتی بر مدارس علمیه بویژه در فرآیند یکپارچه نمودن سیستم آموزشی (از سال ۱۹۹۴ به بعد)، واکنشی اجتماعی است برای از بین بردن دو دیدگاه متعارض سنت اندیشان «نهضت العلماء» و نوگرایان «محمدیه»

^۱ - این سخنرانی در دانشگاه گریفیث استرالیا انجام شده که دارای کرسی اندونزی‌شناسی است.

در عرصه آموزش.^۱

پروفسور عدرا به هنگام تبیین «تسامح و تساهل» در نظام آموزش عالی اسلامی، آنها را تأثیر گذار در مدارس علمیه و عامل تغییر اجتماعی در «پسنترن ها» قلمداد می‌کند. از یاد نبریم این محقق برجسته خود پیش از این ریاست دانشگاه شریف هدایت الله را به عهده داشته و با تسلطی که بر حیات علمی مراکز آموزش عالی دینی دارد، در ساخت و پرداخت نظریه «تسامحی» خویش پرتجربه می‌نماید. آموزه‌های وی در بخش بعدی سخنرانی^۲، نکات جالبی را بیان می‌دارد و البته به همان اندازه که برای سیاست پیشگان غربی بویژه آنانی که در پی نفوذ فرهنگی و آموزشی در اندونزی‌اند، مفید است برای ما نیز که در پی شناخت و نفوذ تفکر دینی دلخواه هستیم مطالبی آموختنی دارد.

اگر بخواهیم از جریان‌های اسلامی معاصر اندونزی، دسته بندی ناظر به واقعیت ارائه دهیم، سه رویکرد اسلام معتدل، اسلام لیبرال و اسلام سلفی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند.

در این دسته بندی جریان اصلاحی محمدیه با تفاوت‌هایی همچون نهضت العلماء، بیشتر خواهان وضعیت موجود اندیشه ای، سیاسی و ایدئولوژیک (ایدئولوژی دولتی به نام پنج اصل پانچاسیلا یعنی باور به خدای متعال، انسانیت، وحدت ملی، دموکراسی ارشادی و عدالت اجتماعی) اندونزی است.

جریان پر هیجان اسلام سلفی نیز، گرایش عمده فکری و اجتماعی مسلمانان در آن دیار چون با نوع دینداری عمده جامعه اندونزی هم خوانی ندارد و هم آموزه‌های قدرتمندی در اختیار ندارد تا در قشر فرهیخته و نخبه عرض اندام کند جریان عام نیست.

جریان اسلام لیبرال با تمامی شعارهای زیبا و بهره گیری از مفاهیم مقبول غربی چون دموکراسی (مردم سالاری)، حقوق بشر، حقوق زنان و نفوذ در قشر تحصیل کرده و دانشگاهی به دلیل آنکه خود را با لیبرالیسم عجین کرده و تنها دموکراسی لیبرال منش را تبلیغ می‌کند، نمی‌تواند در ساختار اصلی فکری و عمومی مردم مسلمان نفوذ کند و رقیبی قدرتمند چون «پانچاسیلا» روبروی خود دارد. پروفسور عدرا از زمره مبلغان این اندیشه است.

حمید رضا طوسی

^۱- اشارت‌های این محقق به انواع مدارس علمیه، در مناطق مختلف، از نکات ارجمندی است که مورد استفاده برنامه‌ریزان ما قرار خواهد گرفت. بعونه تعالی.

^۲- گردآوری شده در ده آموزه.

اندونزی، همان‌گونه که روز به روز بیشتر شناخته می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین کشورهای مسلمان دنیاست. از جمعیت ۲۳۵ میلیونی اندونزی، ۸۷/۲۱ درصد را مسلمانان، ۶/۰۴ درصد را مسیحیان پروتستان، ۳/۵۸ درصد را مسیحیان کاتولیک، ۱/۸۳ درصد را هندوها، ۱/۳ درصد را بودایی‌ها و ۳۱/ درصد را انیمیست‌ها (معتقدان به عالم روح و تجسم ارواح مردگان) تشکیل می‌دهند. اگر چه مسلمانان بیشترین واحد جمعیت اندونزی را تشکیل می‌دهند، این کشور را نه کشور مسلمان می‌توان دانست و نه کشور سکولار. در حقیقت، در این کشور پنج دین عمده و اصلی دنیا به رسمیت شناخته می‌شوند: اسلام، پروتستان، کاتولیک، هندو و بودایی، و همه این ادیان از خدمات دولتی یک‌سان در وزارت امور ادیان بهره‌مندند. در دوره بعد از سقوط رئیس‌جمهور سوهارتو^۱ در ماه مه سال ۱۹۹۸، سایر عقاید مذهبی همچون کنفوسیونیزم از دولت درخواست کردند تا به عنوان یک فرقه دینی به رسمیت شناخته شوند؛ اما دولت اندونزی ظاهراً هیچ گامی در این مسیر برنداشت، بدین علت که این فرقه در بعضی از اصول خاص مذهبی به وضوح با سایر مذاهب مغایرت داشت.

بنیان‌گذاران جمهوری مستقل اندونزی که در ۱۷ آگوست سال ۱۹۴۵ اعلام استقلال کردند و مروجان انقلاب مشروطه سال ۱۹۴۵، تنوع و گوناگونی در اعتقادات دینی را در کشور تشخیص داده بودند. ملت اندونزی، حس وحدت و برادری را که به تدریج در طی قرن‌ها ایجاد کرده‌اند و به وسعت مجمع‌الجزایر اندونزی و به گستره گروه‌های نژادی مختلف آن، زبان‌ها، آداب و منش‌های زندگی آن است، پاس می‌دارند. دین، آرزوی همیشگی مردم اندونزی بوده است و از این رو، رکن ضروری فرهنگ ملی و زندگی روزمره مردم اندونزی است.

بند سوم نظام نامه مشروطیت سال ۱۹۴۵- که از زمان سقوط سوهارتو در سال ۱۹۹۸، چهار بار متوالی تجدید شده است- تصریح می‌کند که اعلام استقلال اندونزی، موهبتی از جانب خداوند قادر متعال است. بند چهارم نیز تاکید می‌کند که دولت اندونزی بر پایه پنج اصل قانونی استوار شده که عبارتند از: اعتقاد به خدای یگانه متعال، عدالت، مدنیت، وحدت اندونزی و دموکراسی از طریق عقلانیت درونی و به واسطه ارائه اندیشه‌ها و آرا و عدالت اجتماعی برای تمام مردم اندونزی.

پنج اصل قانونی وجود دارد که پانچاسیلا^۲ نامیده می‌شوند هم چنین ایدئولوژی

^۱ - Soeharto.

^۲ - Pancasila.

دولت اندونزی و ساختار متعارف تمام گروه‌های مردمی و مختلف در اندونزی تعریف شده‌اند. پانچاسیلا در نخستین اصل قانونی، به اهمیت دین تصریح می‌کند که اساس آن، اعتقاد به خدای یگانه برتر است. تعریف رسمی این اصل بیان می‌کند که اصل اعتقاد به خدای واحد متعال بدین معناست که مردم اندونزی می‌توانند آزادانه از پنج دین و آیین مذهبی به رسمیت شناخته شده یکی را پذیرفته و به دستورهای آن عمل نمایند. بند ۲۹ از قوانین مشروطه- که در دوره بعد از سقوط سوهارتو تجدید نشد- آزادی در اعتقاد دینی و مذهبی را در چارچوب بندهای ذیل تضمین می‌کند: (۱) اساس شکل‌گیری دولت بر پایه اعتقاد به خدای واحد متعال است، (۲) دولت ضامن آزادی هر شهروند در پذیرش و عمل به دستورهای دین یا آیین مذهبی است که معتقد بدان است و وظایف دینی باید بر آن دین یا آیین مذهبی منطبق باشد.

همان طور که اساس زندگی دینی این گونه است؛ نقش دولت، ارتقای سطح احترام به ادیان و اعتقادات مذهبی مختلف و نیز ایجاد همسویی در میان پیروان ادیان و مذاهب و در کل جامعه است. تاکید بر وجود اتحاد و یک پارچگی ملی، نگرش و الگوی فکری و عملی خاصی در بیشتر جنبه‌های زندگی مردم اندونزی و مخصوصاً زندگی دینی آنها، ایجاد کرده است. بر اساس حق قانونی آزادی در تفکر و باور دینی و مذهبی، هر شهروند باید به حق قانونی دیگری احترام بگذارد و از این منظر، پیروان ادیان و مذاهب حق ترویج فرهنگ اشتراکی مبتنی بر صلح و آشتی را دارند. یکی از مهم‌ترین روش‌های دستیابی به یک پارچگی و همسویی، استفاده از تعالیم آموزشی است. شکی نیست که آموزش، بهترین نقطه آغاز استراتژیک برای ترویج عقلانیت است که نتیجه آن، صلح و آشتی اجتماعی می‌باشد.

۲. تعالیم مذهبی در مدارس برای ایجاد تسامح و تساهل

قبل از هر چیز باید دریافت که چگونه زندگی دینی در سیستم ملی آموزشی اندونزی بازتاب می‌یابد؟ چگونه عقلانیت در مدارس ترویج می‌گردد؟ چگونه روابط میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف، باید بر اساس کتاب‌های درسی مدارس، پایه ریزی گردد؟ چگونه دانش آموزان مدارس در نحوه رفتار و ارتباط با سایر هم کلاسی‌ها و هم مدرسه‌ای‌های معتقد به دین یا آیین مذهبی دیگر آموزش می‌بینند؟

بر اساس لایحه قانونی آموزش و پرورش کشور اندونزی، مصوب سال ۱۹۸۹- که در سال ۲۰۰۳ اصلاح و بازنگری شد- محتوای برنامه درسی هر مؤسسه آموزشی در اندونزی، از سطح ابتدایی گرفته تا سطح متوسطه و نیز برنامه درسی غیر رسمی، باید

مبتنی بر آموزش اصول قانونی پانچاسیلا، تعالیم مذهبی^۱ و اصول شهروندی^۲ باشد. بند قانونی مورد نظر هم چنین بیشترین موضوعات آموزشی برای تدریس در نظام آموزشی پایه را تعیین می‌کند. این بند قانونی آموزشی، "آموزش اخلاق" را به عنوان یک موضوع درسی جداگانه و مجزا تعریف نمیکند، زیرا اخلاق در دو موضوع درسی ضروری با نام‌های آموزش «پانچاسیلا» و آموزش مذهبی گنجانده می‌شود.

ضمیمه الحاقی بند ۳۹ قانون آموزش و پرورش، آموزش مذهبی را تلاشی در جهت تقویت ایمان و اعتقاد دینی دانش آموزان به خدای واحد متعال و نیز ضرورت احترام به پیروان سایر ادیان و مذاهب تعریف می‌کند و آن را وسیله تقویت یک پارچگی و همسویی مذهبی و عامل تقویت اتحاد ملی می‌داند.

با توجه به نکات مطرح شده، پیداست که آموزش دینی در اندونزی، دو کاربرد اصلی دارد: کاربرد نخست آن، تامین نیاز دینی دانش آموزان برای تقویت ایمان و اعتقاد دینی آنهاست و در این مقطع، آموزش دینی به معنای تدارک اصول آموزش مذهبی بر اساس اعتقاد دینی قابل احترام هر یک از دانش آموزان است. این، بدان معناست که اصول آموزش اسلام توسط مربیان و معلمان مسلمان و برای دانش آموزان، اصول آموزشی مسیحیت توسط مربیان مسیحی و برای دانش آموزان مسیحی، اصول آموزش هندو توسط مربیان هندو و برای دانش آموزان هندو و اصول آموزشی بودایی توسط مربیان بودایی و برای دانش آموزان بودایی تهیه و تدارک می‌گردد. بر این اساس، هر هفته دوساعت آموزش اصول دینی و مذهبی برای هر کلاس درس اختصاص داده می‌شود.

محتوای اصول آموزشی، مرتبط با اصول و دکترین دینی ادیان و آیین‌های مذهبی و تعالیم مسائل متنوع و ارزش‌های معنوی مبتنی بر باورهاست. اگر اصول آموزشی اسلام را به عنوان نمونه در نظر بگیریم، محتوای آن، دربردارنده دکترین توحید و یکتاپرستی اسلامی، رابطه میان اسلام و سایر ادیان - به ویژه یهودیت و مسیحیت - اعتقاد به این که محمد(ص) پیغمبر خداست و روابط ایشان با سایر پیغمبران الهی همچون ابراهیم(ع)، موسی(ع) و عیسی(ع)، قرآن و رابطه آن با سایر کتاب‌های الهی - مثل تورات و انجیل/عهد قدیم و عهد جدید- و انتخاب تعالیم قرآنی مبتنی بر عقلانیت و ارزش‌های اصیل مرتبط با اخلاق، همچون صداقت، مسئولیت، هم بستگی اجتماعی، تعاون، آداب رفتار با سایرین، عشق به عدالت و حقیقت، باری رساندن به نیازمندان و از این دست مسائل است.

^۱ - PelajaramAgama.

^۲ - Pendidikan Kewarganegaraan/PPKn.

کاربرد دوم، افزایش حرمت و حس احترام گذاشتن در میان پیروان مذاهب و ادیان مختلف و نیز تقویت یکپارچگی در بین پیروان و دستیابی به وحدت ملی می‌باشد. این مسئله، بعد اجتماعی اصول آموزشی دینی است که مسائلی همچون روابط حسنه میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف، رابطه بین پلورالیزم مذهبی و اتحاد ملی و نقش رهبران دینی در بسیج نیروهای مردمی برای شرکت در فرایند توسعه ملی را در بر می‌گیرد. بعد دوم، جهت اطمینان بخشیدن به این مهم، که اصول آموزشی دینی، کوله فکری و محدودیت اندیشه را در دانش آموزان ایجاد نخواهد کرد، پایه ریزی می‌شود. در برابر، مشارکت اجتماعی، پویایی ملی و اتحاد را در جامعه تقویت خواهد کرد.

با توجه به اصول بیان شده، بجاست چند مورد از کتاب‌های درسی را که در مدارس آندونزی تعلیم داده می‌شوند بررسی کنیم. عموماً، دو نوع تفسیر از ایمان و اعتقاد "دیگران" وجود دارد: نوع توصیفی-روایی که بیشتر در دبیرستان‌های دارای رتبه علمی بالا به کار برده می‌شود؛ و نوع ترکیبی از توصیفی-روایی و داستان‌ها که در دبیرستان‌های دارای رتبه علمی پایین تر به کار می‌رود و داستان‌ها که در مدارس ابتدایی کاربرد دارند.

در یک کتاب مربوط به آموزش اصول شهروندی^۱ که ویژه دبیرستان‌های دارای رتبه علمی بالا می‌باشد، فصل خاصی با نام "همسویی دینی" وجود دارد. این فصل با مبانی قانونی زندگی دینی در آندونزی، توصیف نظام مشروطه ملی سال ۱۹۴۵ و فرمان مجمع مشروطه مردمی^۲ آغاز می‌شود. در ادامه بیان می‌شود که اولاً، باید احترام دو طرفه و همکاری میان پیروان مذاهب و ادیان مختلف وجود داشته باشد؛ ثانیاً، باید احترام دوطرفه در آیین مذهبی ادیان مختلف رعایت شود؛ ثالثاً، نباید هیچ اجباری در پذیرش دین خاصی وجود داشته باشد.

افزون بر آن، در این کتاب بر اهمیت همسویی دینی در میان پیروان آیین مذهبی واحد که مدارس فکری متفاوت، مکتب فلسفی متفاوت و تمایلات متفاوت دارند، تاکید شده است. در غیر اینصورت تضاد در میان پیروان یک آیین مذهبی خاص بروز می‌کند. از این رو، این کتاب درسی، شماری از وظایف اخلاقی یا یک نظام نامه قانونی را که باید دین داران در زندگی واقعی و روزمره خود اجرا نمایند، طرح ریزی می‌کند. نخست، ارتقای سطح ایمان به خدای واحد متعال و خداترسی؛ دوم، ارتقای سطح احترام دوجانبه در میان پیروان مذاهب و ادیان مختلف؛ سوم، ارتقای سطح همکاری و بردباری

^۱ - PPKn.

^۲ - MPR.

در میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف؛ چهارم، ارتقای سطح ایمان به این که همه انسان‌ها و نوع بشر، مخلوقات خداوند متعال اند؛ پنجم، ارتقای حس علاقه و عشق به نوع بشر، در میان تمام انسان‌ها؛ ششم، ارتقای سطح ایمان به این که همه باید در دفاع از حقیقت و عدالت و شجاع باشند؛ هفتم، ارتقای سطح وحدت ملی بر اساس تئوری وحدت در تنوع^۱؛ هشتم، خودداری از ترغیب دیگران به گرویدن به کیش و آیین دینی خود؛ نهم، حمایت کردن از حقیقت و عدالت؛ دهم، درک این مهم که روابط فرد با خدا، مسئله‌ای شخصی است (به نقل از ابوبکر (Abubakar) و سایرین، سال ۱۹۹۴، ۱۹۹۸: ص ۵۸ - ۶۶).

در سطح دبیرستان‌های دارای رتبه پایین تر علمی نیز، بر اصل احترام دوطرفه در میان دین داران بسیار تاکید می‌شود. در کتابی مربوط به پایه سوم، فصلی خاص درباره «همسویی دینی» وجود دارد که بیان می‌کند: «ما باید دریابیم که در زندگی اجتماعی، انسان‌های متفاوت زیادی داریم که انسان‌های دین دار و مذهبی نیز بخشی از آنها را تشکیل می‌دهند. هر یک از پیروان یک دین، آزاد است که تکالیف و تعالیم دین خود را اجرا کند. درک درست از دین باعث می‌شود تا انسان بتواند بهتر خود را کنترل کند و به تبع آن، به پیروان سایر مذاهب و ادیان نیز احترام بگذارد. این نگرش و رفتار، افزایش یک پارچگی و صبر را در میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف، به ارمغان می‌آورد. انسان‌ها باید دریابند که به عنوان مخلوق خدای متعال، از رتبه و مقام یکسانی برخوردارند» (به نقل از سانتوسو^۲ و دیگران، سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷: ص ۹ - ۳۷).

در کتابی از پایه دوم دبیرستان‌های دارای سطح علمی پایین تر، فصلی وجود دارد که در مورد «اعتقاد» بحث می‌کند. در این فصل بیان می‌شود که «هر انسانی در گزینش دین، آزاد است. این مسئله، بازتاب حق شخصی افراد در اعتقاد به دینی خاص و عمل به فرامین و دستورالعمل‌های آن است. آزادی در اعتقاد دینی، از جانب دولت داده نمی‌شود؛ بلکه از وجدان و باطن فرد سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، کسی نباید دیگری را به پذیرش آیین دینی و مذهبی خود مجبور کند. فرد باید به دستورها و تعالیم دین خود به روشی درست عمل کند؛ پیروان ادیان و مذاهب مختلف باید با یکدیگر تعامل داشته باشند، صبر و برداری پیشه کنند و به احترام یک دیگر بگذارند؛ به گونه‌ای که همسویی و بردباری در زندگی دینی جامعه و تک تک افراد، ایجاد گردد» (به نقل از سانتوسو و دیگران، سال ۱۹۹۴: ص ۱ - ۵).

^۱ - bhinneka tunggal.

^۲ - Santoso.

در نهایت نیز به کتابی در پایه اول دبیرستان‌های دارای سطح علمی پایین تر بر می‌خوریم که در فصل نخست آن، تجلی خداترسی و تقوای الهی در اعتقاد به خدای واحد متعال، به بحث گذاشته می‌شود. در این فصل این گونه بیان می‌شود که «هر دین و مذهبی، مفهومی خاص از "تقوای الهی" ارائه می‌کند. با این وجود، تمام ادیان و مذاهب، معتقد به تعریفی مشترک از تقوا هستند و آن "اطاعت از همه فرامین خداوند و اجتناب از کار بد" می‌باشد. تمام شهروندان اندونزیایی باید سطح تقوای الهی خود را ارتقا بخشند و در اینصورت یک شهروند خوب خواهند بود» (به نقل از یوسمان^۱، سال ۱۹۹۴: ص ۱-۵).

در مورد مدارس ابتدایی ذکر یک نمونه از کتاب‌های درسی پایه ششم، کفایت می‌کند. در این کتاب بیان می‌شود «باید در زندگی دینی، یک پارچگی و همسویی وجود داشته باشد. هر یک از پیروان یک دین خاص باید به پیروان مذاهب و ادیان دیگر احترام بگذارد. یکی از نمونه‌های تسامح و تساهل دینی این است که ما باید به آیین مذهبی و جشن‌های دینی سایر ادیان نیز احترام بگذاریم. ما نباید مراسم مذهبی ادیان دیگر را برهم زنیم و پیروان آن ادیان را آزرده خاطر کنیم. ما باید به پرستش گاه‌های آنها نیز احترام بگذاریم و هیچ گاه به آنها خسارت وارد نکنیم» (سارتونو^۲ و سوهارسانتو^۳، سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱: ص ۴۴).

۳. آموزش تسامح و تساهل در مدرسه‌های علمیه

با نگاهی به کتاب‌های درسی مدارس درمی‌یابیم که تلاش‌هایی برای ترویج همسویی دینی و تسامح و تساهل در مدارس علمیه در اندونزی انجام گرفته است. بسیار مهم است که بدانیم تمام کتاب‌های نام برده شده نه تنها در مدارس عادی، بلکه در مدارس علمیه نیز تدریس می‌شوند. همان گونه که روشن است، همه دانشجویان مدارس علمیه، مسلمان هستند، در صورتی که در مدارس عادی تمام دانش آموزان می‌توانند شرکت داشته باشند و هیچ محدودیت دینی وجود ندارد.

با این که دین همه آنها اسلام است، آموزش تسامح و تساهل و همسویی دینی برای بعضی از دانشجویان مدارس علمیه به دلیل پاره‌ای مسائل، اهمیت چندانی ندارد. اولاً، از آن جا که دانشجویان فقط با همکیشان خود روابط اجتماعی دارند، نیاز دارند که بدانند چگونه باید با هم نوعان خود در ادیان دیگر که بیرون از مدارس علمیه و در جامعه‌ای

^۱ - Yusman.

^۲ - Sartono.

^۳ - Suharsanto.

بزرگ تر قرار دارند، رابطه و سرو کار داشته باشند. ثانیاً، حتی در میان همین دانشجویان مسلمان، اعتقادات دینی متفاوت وجود دارد و اعمال دینی دیده می‌شود که سرچشمه آنها تعالیم والدین و جامعه می‌باشد. بسیار مهم است که بیاد داشته باشیم، اسلام در اندونزی به صورت یک پارچه و یک دست نیست؛ در حقیقت یک نوع اسلام جمعی (پلورال) در اندونزی وجود دارد که نتیجه تفسیرهای گوناگون از اسلام است و شکل گیری مدارس فکری^۱ و سنت‌های مختلف نیز یکی دیگر از پی آمدهای این مسئله می‌باشد. در اندونزی گروه‌های مسلمانی همچون " سنت گرایان " وجود دارند که توسط مجمع علمای نهضت العلماء (Nahdlatul Ulama: NU) - که در سال ۱۹۲۶ تأسیس شد - معرفی شده‌اند. گروه " نوگرایان (مدرنیستها) " نیز توسط مجمع محمدیه (Muhammadiyah) - که در سال ۱۹۱۲ تأسیس شد - معرفی شده‌اند.

این که در گذشته این اختلافات به نزاع و درگیری میان سنت گرایان و نوگرایان، یا میان مسلمانان می‌انجامید، امری غیر طبیعی نیست. از این رو، نیاز به تسامح و تساهل در خود جامعه مسلمانان احساس می‌شود و باید همسویی دینی در میان آنها ترویج و از طریق آموزش در مدارس علمیه حمایت گردد. بسیار مهم است که اشاره کنیم مدارس، اساساً نوعی توسعه و پیشرفت در آموزش اسلامی در اندونزی ایجاد می‌کنند. نمونه این مدارس عبارت‌اند از: پسانترن (pesantren) و پندوک (pondok) به ترتیب در جاوا و کالیمانتان، سورائو (surau) در سوماترای غربی، دایه (dayah) و رنگ کنگ (rang kang) در آچه. نظام آموزشی مدارس علمیه که در بعضی جنبه‌ها گرایش خاصی به سیستم مدرسه‌های هلندی دارد، در اوایل قرن بیستم تدوین شد. از آن زمان به بعد، نوعی انشعاب میان نظام آموزشی هلند غربی و نظام آموزشی مدارس علمیه ایجاد شد. این انشعاب میان این دو سیستم حتی بعد از انقلاب اندونزی در سال ۱۹۴۵ نیز ادامه یافت. مدارس توسط وزارت آموزش ملی مدیریت می‌شد، در حالی که مدارس علمیه - که فقط تعالیم اسلامی در آنها تدریس می‌شد - تحت حمایت وزارت امور دینی بود. اما تلاش‌هایی برای یک پارچه کردن این دو سیستم صورت گرفت؛ در حوالی سال ۱۹۷۵ که مدارس علمیه مجاب شدند تا در کنار موضوعات درسی دینی، دوره‌های آموزش عمومی نیز داشته باشند، تلاش‌های ثمربخش و دور از دست رسی صورت پذیرفت. فرایند یک پارچه کردن نظام آموزشی، با تصویب قانون نظام آموزش ملی در سال ۱۹۸۹، که مدارس علمیه را هم راستا و هم‌تا با مدارس عادی قرار می‌داد، کامل شد و

^۱ - madhhab & aliran.

در راستای این قانون، مدارس علمیه، برنامه درسی سال ۱۹۹۴ را که توسط وزارت آموزش ملی صادر شده بود، پذیرفتند. این برنامه درسی دارای یک ضمیمه مکمل در مورد موضوعات دینی بود که از جانب وزارت امور دینی تهیه شده بود.

نقش حیاتی آموزش مدارس علمیه در آموزش تسامح، تساهل و همسویی دینی در میان مسلمانان و غیر مسلمانان را می توان به وضوح در تعداد این مدارس دید و در کل قابلیت مدارس علمیه در جذب دانش آموزان برای آموزش ملی، بسیار زیاد است. در کمترین حالت، مدارس علمیه ابتدایی (MI، معادل Sekolah Dasar/SD)، مدارس ثانویه سطح پایین (MT، معادل Sekolah Menengah Pertama/SMP) و مدارس ثانویه سطح بالا (MA، معادل Sekolah Menengah Atas/SMA) در اواخر دهه ۹۰، تقریباً ۲۰ درصد دانش آموزان مدرسه‌ای را در این سطح، به خود اختصاص داده بودند.

اطلاعات به دست آمده از سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ نشان می‌دهند که تعداد مدارس علمیه خصوصی، بیش از ۸۵ درصد کل مدارس علمیه در تمام سه پایه تحصیلی بوده‌اند و این، بسیار اهمیت دارد. مدارس علمیه ابتدایی دولتی (MIN) فقط ۰.۱ درصد یا به عبارت دیگر فقط ۱۴۳۵ مدرسه از کل ۲۳۲۹۸ تعداد مدرسه هستند. در مقابل، مدارس ابتدایی عادی دولتی (SD)، ۵.۹۲ درصد یا به عبارت دیگر، ۱۳۹۸۸۵ تعداد از کل ۱۵۱۲۹۸ تعداد بودند. به علاوه، مدارس علمیه ثانویه سطح پایین دولتی (MTSN)، ۵.۱۱ درصد یا به عبارت دیگر ۱۱۴۱ تعداد از کل ۹۸۴۶ تعداد مدرسه علمیه بودند. در نهایت، مدارس علمیه ثانویه سطح بالای دولتی (MAN)، ۳.۱۶ درصد یا به عبارت دیگر ۵۵۳ تعداد از کل ۳۳۹۲ تعداد مدرسه علمیه بودند، در حالی که مدارس ثانویه سطح بالای دولتی (SMAN)، ۳۱ درصد یا به عبارت دیگر ۲۴۷۹ تعداد از کل ۸۰۶۵ تعداد مدرسه بودند. این ارقام نشان می‌دهد که حضور جامعه مسلمان در مدارس علمیه به مراتب بیشتر از مدرسه‌ای است که توسط بخش آموزش ملی کنترل و مدیریت می‌شوند. شمار فراوانی از مدارس علمیه، مدارس مجمع علمای کیاییس (kiyais)، محمدیه و سازمان‌ها و نهادهای اسلامی هستند که همه آنها از جریان‌های اصلی اسلام در اندونزی می‌باشند.

بحث مختصر ارائه شده درباره مدارس علمیه به دلیل بروز برخی حوادث بین‌المللی اخیر، بسیار مهم است. بعد از واقعه هولناک یازدهم سپتامبر در آمریکا، که بعد از آن اقدام نظامی این کشور در افغانستان، رخ داد، همان واژه "مدرسه علمیه" در کنار عناوین بنیادگرایی و افراطگری مسلمانان قرار گرفت. در حقیقت، مدارس علمیه، از جانب بعضی روزنامه نگاران طرف دار سیاست‌های آمریکا، تحلیلگران و بعضی مقامات

رسمی کشورهای غربی، متهم به "مهد پرورش" رادیکالیسم (افراط گرایی) و حتی تروریسم شدند. با این که این اتهام باید به درستی در بافت افغانستان یا هر جای دیگر در جهان اسلام بررسی گردد، روشن است که مدارس علمیه اندونزی کاملاً متفاوت اند. مدارس علمیه در این کشور، کاملاً تحت کنترل و نظارت دولت و حکومت می‌باشند؛ محتوای آموزشی آنها باید در راستای برنامه درسی صادر شده از جانب وزارت آموزش ملی باشد. آنها هم چنین مشابه مدارس عادی مجبورند که در جهت ارتقای سطح تسامح و تساهل و همسویی دینی تلاش کنند.

۴. آموزش تسامح و تساهل در نظام آموزش عالی اسلامی

اسلام در اندونزی از مدت‌ها پیش به سبب ویژگی‌های ممتاز خود از جمله اعتدال و میانه روی، شمولیت و تسامح و تساهل شناخته شده است. از این رو از دهه ۹۰، اسلام در اندونزی از جانب مجلات بین‌المللی همچون تایم (Time) و نیوزویک (Newsweek)، با نام "اسلامی با چهره خندان" شناخته می‌شود؛ اسلامی که با نوگرایی، دموکراسی و سایر مسائل دنیای کنونی سازگار می‌باشد. در حقیقت حداقل در دو دهه پیش، یک اسلام مبتنی بر تسامح و تساهل و شمولیت در اندونزی وجود داشته است.

مؤسسات آموزش عالی اسلامی در اندونزی، که شامل چهار دانشگاه اسلامی دولتی (UIN)، چهارده مؤسسه دولتی در زمینه مطالعات اسلامی (IAIN) و سی و دو کالج اسلامی دولتی (STAIN) می‌باشند، نقش کلیدی در ایجاد این نوع اسلام در اندونزی دارند. بیشتر IAIN‌ها از اواخر دهه ۵۰ تا اوایل دهه ۷۰ تأسیس و STAIN‌ها از شاخه‌های دانشکده‌های IAIN، در اواخر دهه ۹۰ راه اندازی شدند. بعد از سال ۲۰۰۲ که مؤسسه جاکارتا (IAIN Jakarta) به یک دانشگاه کامل تبدیل شد، دو مؤسسه IAIN دیگر نیز به ترتیب در یوگیاکارتا (Yogyakarta) و پکانبارو (Pekanbaru) و یک کالج اسلامی نیز در مالانگ (Malang) به دانشگاه تبدیل شده‌اند. دانشگاه UIN نه تنها مجوز تدریس آموزه‌های دینی اسلامی را دارد، بلکه می‌تواند در تمام رشته‌های، علوم انسانی، علوم اجتماعی و علوم طبیعی و حتی علوم پزشکی، تدریس کند که نمونه آن، دانشگاه جاکارتا می‌باشد.

تا چندی پیش، از داخل و خارج IAIN‌ها و STAIN‌ها انتقاداتی به گوش می‌رسید مبنی بر این که این مؤسسات میان دو مسئله موعظه اسلامی (dakwah) و مؤسسات آکادمیک در جوامع مسلمان گرفتار شده‌اند. این مسائل حتی باعث بروز کشمکش و در میان IAIN‌ها و STAIN‌ها نیز شد، زیرا رهبرانی در IAIN‌ها و STAIN‌ها بودند که می‌کوشید در IAIN‌ها و STAIN‌ها بیشتر مسائل آکادمیک و دانشگاهی مطرح باشد.

بنابراین، از اواخر دهه ۸۰ تلاشهایی در راستای تبدیل IAINها به دانشگاه‌های کامل یا UINها، صورت گرفت (به نقل از عذرا (Azra)، سال ۲۰۰۰؛ مولمان (Meuleman)، سال ۲۰۰۰؛ مظهر (Mudzhar)، سال ۲۰۰۰).

IAINها و STAINها و اکنون UINها، با این که به عنوان مؤسسات دارای مجوز رسمی برای تدریس علوم دینی اسلامی، امتیازات سازمانی داشتند، اکنون نقش مهمی در تغییر شکل اسلام در اندونزی بر اساس تسامح و تساهل و شمولیت، دارند. عوامل کلیدی در این پیشرفت، نقش دگرگون‌کننده pesantrenها و سایر مؤسسات آموزشی اسلامی، نوگرایی مداوم آموزش اسلامی و جهت‌گیری دوباره سازمان اجتماعی مذهبی اسلامی از مسائل سیاسی به مسائل فرهنگی، می‌باشند (به نقل از هدایت (Hidayat) و دیگران، سال ۲۰۰۰). حداقل بعد از دهه ۸۰ pesantrenها به سرعت به عوامل توسعه و تغییر اجتماعی بدل گشتند و طرف دار فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی شدند. بر اساس مطالعات صورت گرفته، IAINها و بعدها STAINها و UINها، مراکز این تغییرات اجتماعی بوده‌اند. IAINها، STAINها، UINها، pesantrenها و مدارس علمیه، که قبلاً ذکر شد، همگی به صورت یک پارچه درآمدند. دانشجویان و مسئولان دانشکده‌های IAIN، STAINها و UINها، همگی اصالتاً اهل نواحی روستایی بودند. آنها در این مراکز، شرایط جامعه و زندگی روستایی را به همگان نشان دادند. در مقابل، وقتی به روستاهای خود بر می‌گشتند، قادر بودند مسائل مرتبط با اسلام و اصول نو و مسئله تسامح و تساهل اسلامی را که در این مراکز آموخته بودند، در سطح روستا منتشر کنند. هم چنین آنها می‌توانستند اصولی را که قبلاً با آموزه‌های اسلامی سازگار نبود، به گونه‌ای که برای مسلمانان روستایی قابل پذیرش باشد، طرح ریزی کنند. افزون بر آن، سازمان‌های غیردولتی (NGOها)، در جوامع مسلمان افزایش یافتند و بیشتر اعضای آنها را مسئولان IAINها، STAINها و UINها تشکیل می‌دادند. بسیاری از علمای این مراکز، فعالان NGOها شدند و از تغییر دینی، اجتماعی و فرهنگی حمایت نمودند. فعالیت‌ها و تاثیر بر روستاییان افزایش یافت؛ به گونه‌ای که نه تنها دربردارنده مسائل دینی، بلکه دربردارنده مسائل توسعه روستایی، طرح ریزی بنیان خانواده، مراقبت در برابر محیط، ارتقای سطح دموکراسی و حقوق بشر نیز می‌شد. آنها حتی به تدریس مسائلی پرداختند که پیش از آن تمایلی برای مطرح شدن آنها وجود نداشت، مثل تساوی مرد و زن و مسئله آموزش ایدز.

نقش IAINها، STAINها و UINها نیز در نوگرایی مدارس علمیه، بسیار نقش آفرین است. بسیاری از مدارس علمیه، به سرعت مرکز آموزش‌های عمومی - اگر مسائل

سکولار و مادی در میان نباشد- شدند و در عین حال، ریشه‌های اجتماعی خویش را حفظ کردند. این نوگرایی مدارس علمیه، در یک پارچه ساختن سیستم‌های مدارس علمیه اسلامی و سکولار تحت کنترل یک مدیریت آموزشی و نیز در مسئله تغییر IAIN ها و STAIN ها به UIN ها یا حداقل شامل شدن دامنه گسترده تری از برنامه‌های آموزشی عمومی در نظام آموزش عالی اسلامی، بازتاب پیدا می‌کرد؛ این شمولیت، با نام " IAIN دارای اختیار بیشتر" نیز شناخته شده بود " (به نقل از عذرا (Azra)، سال ۲۰۰۰؛ مولمان (Meuleman)، سال ۲۰۰۰). با اینکه هنوز IAIN ها، STAIN ها و UIN ها، مراکز اصلی دست رسی جوانان روستایی به آموزش عالی بودند، اکنون دستیابی به سیستم دانشگاهی سکولار، نیز همان گونه که قبلاً در قانون مصوب نظام آموزش ملی مطرح شد، ممکن بود.

نقش برجسته IAIN ها، STAIN ها و UIN ها در تغییر شکل اسلام در اندونزی، که در مقایسه با اسلام در جای دیگر، از تسامح و تساهل و شمولیت بیشتری برخوردار شد، به سبب روشهایی است که آنها در فرایندهای آموزشی خود برگزیدند. موارد ذیل، مهم‌ترین روش‌هایی هستند که در این مراکز اجرا شده‌اند (به نقل از: تحقیق Impact Study، سال ۲۰۰۰: ص ۷ و ۸).

۵. آموزه‌ها

اول، اسلام نه تنها یک دین است، بلکه پدیده تاریخی نیز می‌باشد که با بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، سازگار شده است و این مسئله می‌تواند موضوع یک تحلیل تجربی گردد.

دوم، از این رو اسلام را می‌توان پدیده تاریخی قابل درک و حوزه‌ای دانست که می‌تواند موضوع تحقیق تجربی استدلالی قرار گیرد. درمورد اسلام، تحلیل‌های اساسی بسیاری می‌توان انجام داد و تفکر انتقادی در مسئله اسلام، چیزی نیست که نهی شده باشد.

سوم، بررسی مقایسه‌ای در ادیان و مذاهب یا حتی بررسی‌های دینی، مورد تاکید هستند. این تاکید، باعث پیش برد روش قیاسی و نیز تولید دانش، درک و فهم و احترام به سایر ادیان می‌گردد.

چهارم، یک روش اشتراکی، دموکراتیک و دارای شمولیت، در پیش گرفته می‌شود و تفکر انتقادی، دیگر مختص علمای مسلمان و محققان نیست. خود انتقادی، باعث

تقویت اعتماد به نفس، هم زیستی، تسامح و تساهل و آمادگی جهت پذیرش انتقادی، قیاسی و غیر احساسی موقعیت دیگران می‌شود.

پنجم، یک روش تجربی یا ایدئولوژیکی و نه احساسی، در پیش گرفته می‌شود. انحصار طلبی و سلطه جویی، راست دینی (ارتدوکسی) خشک و داشتن نقش مدافع یا مبلغ دینی، نامناسب خواهد بود.

هشتم، رابطه فکری، اجتماعی و فرهنگی با غرب و سایر ادیان و مذاهب، در پیش گرفته شده و تسهیل می‌گردد. غرب دشمن تلقی نمی‌شود، اما به عنوان یک همراه در رسیدن به موفقیت هم نخواهد بود. بدین ترتیب، افق‌های فکری، گسترده تر خواهند شد.

نهم، یک عرف خاص برای تحقیق هدف مند تعیین می‌شود؛ چیزی که قبلاً وجود نداشت. مطالعه در مورد اسلام، تحقیقی گسترده خواهد شد و فقط به دانش آموخته شده رایج در بسیاری جوامع مسلمان دیگر، محدود نخواهد بود.

دهم، روش تحقیق در مورد اسلام، فرقه‌ای و متعلق به مدارس خاص فکری یا تفسیری نخواهد بود و بدین ترتیب، تضاد میان آنها رفع خواهد شد. از این رو، اسلام نه تنها یک پدیده واحد و یکپارچه است، بلکه پدیده جمعی نیز می‌باشد.

یازدهم، روش هشتم، نوعی مطالعه ادراکی و تقدیسی در زمینه اسلام و سنت حضرت محمد (ص) (حدیث) و حرمت برای سنت انسانی، صبر و برابری در اسلام پیشین، در پیش می‌گیرد. در مقابل، روش بررسی ساده و جزء به جزء قرآن و حدیث، در پیش گرفته نمی‌شود، زیرا این روش منجر به عدم درک درست اسلام و تحریف آن می‌گردد. دهم، سازگار نمودن اسلام با تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی و اثبات ارتباط آنها با شرایط جدید و ارتقای قابلیت جوامع مسلمان در هم گامی سازنده با تغییرات ممکن می‌شود.

به طور خلاصه، باید گفت که تاکید بر تسامح و تساهل و همسویی دینی که هدف اصلی روش‌های به کار بسته شده از جانب IAIN ها، STAIN ها و UIN می‌باشد، توسط سازمان‌های مسلمان، رهبران دینی محلی، جنبش‌های سیاسی روستایی و مربیان در سطح جامعه، به طور فزاینده انعکاس می‌یابد. تمام این عوامل در جای گاههایی قرار دارند که می‌توانند کشمکش‌ها را در سطح متعادل نگهدارند و درک دو جانبه را ارتقای

بخشند.

IAIN ها، STAIN ها و UIN ها در تمام نواحی اندونزی، نقش حیاتی در گسترش و اشاعه تضاد دینی و مذهبی دارند. مراکز مطالعه در زمینه اسلام و سایر ادیان و مذاهب، در همه مؤسسات آموزش عالی اسلامی، به عنوان مراکز مشاوره‌ای نگریسته می‌شوند که خاستگاه مناظره اندیشه‌ها و تفکرات گوناگون می‌باشند. این مراکز، نقشی کاربردی در ایجاد اطمینان در جامعه مسلمان برای پذیرش دیدگاه‌های متفاوت و روش‌های متنوع حل مسائل اجتماعی، فرهنگی و دینی بر عهده دارند.

تاکید این مراکز بر مطالعات تطبیقی در زمینه ادیان و مذاهب یا حتی خود مطالعات دینی، بسیار مهم است. مسیحیت تا حدی با استعمار غرب و گاهی غرب متخاصم، هم نوا شده است. مسیحیت اکنون به عنوان دومین جامعه بزرگ دینی در اندونزی شناخته می‌شود. این اجتماع، بخشی جداناپذیر از جامعه اندونزی شده است (به نقل از راپی (Ropi)، سال ۱۹۹۸؛ نورهادی (Nurhadi) سال ۱۹۹۹). این مسئله، نیازمند تغییر نگرش در جامعه مسلمان است؛ فرایندی که توسط آموزش و با تاکید این مراکز بر تسامح و تساهل، درک دوجانبه و هم زیستی مسالمت آمیز، صورت می‌پذیرد.

در مورد تاکید مراکز بر مطالعات تطبیقی در زمینه ادیان و مذاهب، دال ایکلمان (Dale Eickelman)، استاد برجسته آمریکایی و محقق اسلامی، معتقد است که اگر چه این تاکید در سایر کشورهای مسلمان نیز وجود دارد، در اندونزی برجسته تر است. " شاهد برنامه‌های گوناگون و قدرت مند در ترجمه تحقیقات سیاسی و دینی به زبان بهاسا (Bahasa) - زبان اندونزیایی - و مه متر از آن، بازار قدرت و در حال رشد چنین متونی هستیم. IAIN (و نیز STAIN ها و UIN ها)، از طریق ایجاد یک گروه قدرت مند اداری که قادرند این روش را به مخاطبان متناسب با آن برسانند، ارتقا می‌یابد " (با استناد به هدایت و دیگران، سال ۲۰۰۰: ص ۸ و ۹).

۶. نتیجه گیری

امکان آموختن تسامح و تساهل دینی از طریق آموزش، به ویژه در IAIN ها، STAIN ها و UIN ها، بسیار مدیون تلاش‌های مکتی علی (Mukti Ali)، استاد مطالعات در زمینه مقایسه ادیان در دانشگاه IAIN یوگیاکارتا است. وی از دانشگاه مک گیل (Mc Gill) در مونترال (کانادا) فارغ التحصیل شده و از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸، به عنوان وزیر امور دینی خدمت کرده است و در پست وزارت، مسئول نوگرایی مدارس علمیه و persantren بوده است. هارون ناسوشن (Harun Nasution)، استاد الهیات و رئیس دانشگاه IAIN در جاکارتا در سال ۱۹۷۰ نیز نقش کلیدی در ارتقا روش‌های ذکر شده داشت

(به نقل از استین برینک (Steenbrink)، سال ۱۹۹۳، ۱۹۹۴. نوئر (Noer)، سال ۲۰۰۰. علی، سال ۲۰۰۰).

مکتی علی با نظریه " پذیرش تفاوت " خود، رهبران دینی و جوامع را به تفکر و بحث واداشت. نظریه او، این ایده را تقویت می کرد که فردی ممکن است دین خود را بهترین بداند. این منطقی و عادلانه است، اما این مهم را که پیروان سایر ادیان نیز چنین حقی دارند، در نظر نمی گیرد. روش او، بر پایه برابری انسان ها و ادیان بود و شمولیت و تسامح و تساهل را تقویت می کرد. بدون شک این روش، درک دوجانبه و احترام میان جوامع دینی را تقویت می کرد.

این نظریه، از مهم ترین ساختارهای همسویی و بردباری دینی در اندونزی شد. اثر مثبت آن، در رشد آگاهی در میان جوامع دینی مختلف در مسیر احترام به حقوق یک دیگر و زندگی در جامعه ای یک پارچه و همسو، قابل مشاهده است. مکتی علی، نخستین وزیر امور دینی اندونزی بود که در نوگرایی آموزش اسلامی پیش گام شد و یک زیربنای محکم و اساس فکری قوی برای مناظره میان ادیان و مذاهب مختلف، به عنوان ابزاری در جهت تقویت درک دوجانبه و همکاری، ایجاد کرد.